



The Role of the Prosecutor's Office in the Management of Criminal Prosecution in Iran and the United States of America

Hadi Karimi¹, Mohsen Shekarchizadeh*², Mehdi Jalilian³

1. PhD Student of Criminal Law, Department of Law, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Law, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran. (Corresponding Author)

3. Assistant Professor, Department of Law, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 91-107

Corresponding Author's Info

ORCID: 0000-0001-8769-9798

TELL: +983142292929

Email: mohsen.shekarchi@gmail.com

Article history:

Received: 03 Feb 2024

Revised: 26 Mar 2024

Accepted: 30 May 2024

Published online: 22 Sep 2024

Keywords:

Prosecutor's Office, Criminal Prosecution, Management, Legality of Prosecution.

ABSTRACT

The role of the prosecutor in criminal detention is one of the important and controversial issues. Accordingly, the purpose of this article is to examine the question of what role does the prosecutor's office play in the management of criminal prosecution in Iran and the United States of America? The present article is descriptive and analytical and has investigated the mentioned question by using the library method. The findings indicate that the prosecutor's office in Iran is appointed and affiliated with the judiciary, while in the United States it is elective and affiliated with the executive branch. In both legal systems, criminal prosecution is managed by the prosecutor's office; With the difference that in America, by accepting the principle of having the status of prosecution, the prosecutor's office has wider powers in the management of criminal prosecution. Trimming the prosecutor's office in Iran and transforming this institution into a strong and efficient management of criminal prosecution requires that, first of all, While in the American legal system, the focus of prosecutors is on the management of criminal prosecution and the society is sensitive to the performance of the prosecution in the management of criminal prosecution and as a result of correcting the wrong procedures of the prosecution institution, it has become the desire and demand of the society regarding the correction of wrong procedures in the case of the prosecution. There is no such demand in Iran.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2024 The Authors.

How to Cite This Article: Karimi, H; Shekarchizadeh, M & Jalilian, M (2024). "The Role of the Prosecutor's Office in the Management of Criminal Prosecution in Iran and the United States of America". *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 4(3): 91-107.



انجمن علمی فقه‌پژای تطبیقی ایران

فصلنامه فقه‌پژای تطبیقی

www.jccj.ir



فصلنامه فقه‌پژای تطبیقی

دوره چهارم، شماره سوم، پاییز ۱۴۰۳

نقش نهاد دادستانی در مدیریت تعقیب کیفری در ایران و ایالات متحده آمریکا

هادی کریمی^۱، محسن شکرچی‌زاده^{۲*}، مهدی جلیلیان^۳

۱. دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، گروه حقوق، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران.

۲. استادیار، گروه حقوق، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران. (نویسنده مسؤول)

۳. استادیار، گروه حقوق، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران.

چکیده

نقش دادستان در تعقیب کیفری از موضوعات مهم و محل بحث است. بر همین اساس هدف مقاله حاضر بررسی این سؤال است که نهاد دادستانی در مدیریت تعقیب کیفری در ایران و ایالات متحده آمریکا چه نقشی دارد؟ مقاله حاضر توصیفی - تحلیلی است و با استفاده از روش کتابخانه‌ای به بررسی سؤال مورد اشاره پرداخته است. یافته‌ها بر این امر دلالت دارد که دادستانی در ایران، انتصابی و وابسته به قوه قضاییه است، درحالی‌که در آمریکا انتخابی بوده و به قوه مجریه وابسته است. در هر دو نظام حقوقی مدیریت تعقیب کیفری با دادستانی است؛ با این تفاوت که در آمریکا با پذیرش اصل موقعیت داشتن تعقیب، نهاد دادستانی اختیارات گسترده‌تری در مدیریت تعقیب کیفری دارد. پیرایش نهاد دادستانی در ایران و تبدیل این نهاد به یک مدیریت قوی و کارآمد تعقیب کیفری مستلزم این است که در درجه اول وظایف مربوط به کشف جرم، دخالت در تحقیقات مقدماتی و اجرای احکام کیفری از دادستانی گرفته شده و حسب مورد به نهادهای متخصص در این زمینه سپرده شده، به‌نحوی که تمرکز نهاد دادستانی بر روی مدیریت تعقیب کیفری از همه جهات باشد، درحالی‌که در نظام حقوقی آمریکا، تمرکز دادستان‌ها بر مدیریت تعقیب کیفری است و جامعه نسبت به عملکرد دادستانی در مدیریت تعقیب کیفری، حساس بوده و در نتیجه اصلاح روندهای نادرست نهاد دادستانی به خواست و مطالبه جامعه درخصوص اصلاح رویه‌های نادرست در مورد دادستانی تبدیل شده است؛ چنین مطالبه‌ای در ایران وجود ندارد.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۹۱-۱۰۷

اطلاعات نویسنده مسؤول

کد ارکید: ۹۷۹۸-۹۷۶۹-۸۷۶۹-۰۰۰۱-۰۰۰۰

تلفن: +۹۸۳۱۴۲۲۹۲۹۲۹

ایمیل: mohsen.shekarchi@gmail.com

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۱۴

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۳/۰۱/۰۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۱۰

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۷/۰۱

واژگان کلیدی:

نهاد دادستانی، تعقیب کیفری، مدیریت، قانونی‌بودن تعقیب.

خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد، تغییر جزئی و کار روی حاضر به صورت غیرتجاری را دارند.



© تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده می‌باشد.

مقدمه

نهاد دادستانی، ساختاری است که در درجه اول به مدیریت تعقیب کیفری در یک نظام حقوقی می‌پردازد و به‌طور معمول، وظایق دیگری را نیز برعهده می‌گیرد. در رأس نهاد دادستانی، دادستان قرار دارد. دادستان یا مدعی‌العموم، به نمایندگی از جامعه، تعقیب دعوای کیفری را برعهده دارد و در نتیجه به‌عنوان یکی از اصحاب دعوای کیفری شناخته می‌شود. تعقیب از وظایف انحصاری دادستان می‌باشد. دادستان مقامی قضایی است که افراد را رسماً به ارتکاب جرم متهم می‌کند و در دادگاه تحت تعقیب قرار می‌دهد (آشوری، ۱۳۹۸: ۲۵). در تدابیر سیاست جنایی در کنار نقش اصلی تعقیب، مدیریت تعقیب هم با نهاد دادستانی است. موقعیت داشتن و مناسب‌بودن تعقیب از الزامی‌بودن تعقیب می‌کاهد و نسبت بین این دو در سیاست کیفری کشورهای مختلف بنا به علل متعدد متفاوت است، مضاف بر این‌که سیاست کیفری کشورها در طول زمان ممکن است در این خصوص متفاوت باشد.

ساختار نهاد دادستانی در ایران به این صورت است که دادستان کل کشور به‌عنوان عالی‌ترین مقام نهاد دادستانی در رأی دادرسی دیون عالی کشور قرار داد. دادرسی عمومی و انقلاب متشکل از دادستان به‌عنوان ریاست دادرسی، تعدادی معاون، دادیار، بازپرس و کارمند اداری است.

نهاد دادستانی در آمریکا از ساختار خاصی برخوردار است. ایالات متحده آمریکا تنها کشوری در جهان است که در آن شهروندان دادستان‌ها را انتخاب می‌کنند و از این جهت نظام حقوقی آمریکا، وضعیت خاص و ویژه‌ای دارد. دادستان ریاست اداره دادستانی (داسرا) را برعهده دارد. ریاست داسرا بسته به حوزه قضایی، معمولاً وکیل دادگستری، با چندین نام شناخته می‌شود که وکیل بخش قضایی رایج‌ترین آن‌هاست. نام‌های دیگر شامل وکیل ایالت، وکیل ایالتی و وکیل مشترک‌المنافع در ایالت‌های متفاوت رایج است. دادستان در دعوای کیفری، مسؤول ارائه پرونده علیه شخص حقیقی یا حقوقی است که مظنون به نقض قانون است، شروع تعقیب کیفری و پیش‌بردن و هدایت تحقیقات جنایی و پیشنهاد و توصیه به مجازات

مجرمان، از جمله وظایف اصلی آن‌هاست. عناوین دادستان نه‌تنها در دادگاه‌های ایالتی، از ایالتی به ایالت دیگر، بلکه در سطح دولت (یعنی شهر، شهرستان و ایالت) نیز متفاوت است. نگرش قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ به افزایش اختیارات مدیریتی دادستان در امر تعقیب کیفری در ایران بوده است، لیکن هنوز دادستان محصور در اصل لزوم تعقیب است و بدین‌منظور مطالعه تطبیقی حدود اختیارات مدیریتی نهاد دادستانی در تعقیب کیفری با نظام حقوقی ایالات متحده آمریکا که نهاد دادستانی در آن دارای ید طولانی در مدیریت تعقیب کیفری است، می‌تواند به ارائه راهکارهای جدید درخصوص توسعه اختیارات مدیریتی دادستان در تعقیب کیفری در ایران بینجامد که این تحقیق به‌صورت توصیفی و تحلیلی و مقایسه‌بدان می‌پردازد و بدین‌منظور از سه قسمت تشکیل شده است. در قسمت اول به بررسی ساختار نهاد دادستانی در دو کشور مورد مطالعه پرداخته می‌شود؛ در قسمت دوم به بررسی اختیارات نهاد دادستانی در مدیریت تعقیب کیفری در ایالات متحده آمریکا پرداخته می‌شود و در قسمت سوم به بررسی اختیارات مدیریتی نهاد دادستانی در ایران در امر تعقیب کیفری پرداخته شده و در نهایت نتیجه بحث ارائه خواهد شد.

۱- نهاد دادستانی در ایران و ایالات متحده آمریکا

«دادرسی کیفری دارای مراحل متعددی است و در یک تعریف موسع دادرسی کیفری از کشف جرم شروع شده و به اجرای حکم ختم می‌شود» (گلدوست جویباری، ۱۴۰۱: ۲۳). در بین مراحل دادرسی کیفری، تعقیب کیفری به‌عنوان یکی از مراحل اصلی دادرسی کیفری مطرح است که نام این مرحله در تمامی نظام‌های حقوقی با مفهومی به نام «مقام یا نهاد تعقیب» گره خورده است و در بیشتر کشورهای جهان این مقام یا تعقیب، نهادی به نام «دادستانی» است. باتوجه به برداشت‌های متفاوتی که از این مفهوم می‌شود، باید این مفهوم را در هر دو نظام حقوقی ایران و ایالات متحده بررسی شود.

۱-۱- نهاد دادستانی در ایران

دادستان از نظر لغوی به‌معنای «آنکه اجرای عدالت کند. داور، قاضی، پادشاه، امیر، نماینده دولت در دادگاه که علیه مجرمان

است. در عین حال، به حکم ماده ۲۸۵ ق.آ.د.ک شعبه‌ای از دادرسی عمومی و انقلاب با عنوان دادرسی ویژه نوجوانان برای انجام تحقیقات مقدماتی نسبت به جرایم افراد پانزده تا هجده سال تشکیل می‌شود. وظیفه دادرسی عمومی و انقلاب، کشف جرم، تعقیب متهم، انجام تحقیقات و سرانجام اجرای احکام کیفری است

۱-۱-۳- دادرسی نظامی

«جهت رسیدگی به جرایم خاص نظامی و انتظامی دادگاه‌های نظامی تشکیل شده است. این دادرسی نظامی در مرکز هر استان تشکیل می‌گردند و در شهرستان‌ها در صورت نیاز، تحت عنوان دادرسی نظامی ناحیه تشکیل می‌شوند» (ماده ۵۷۸ ق.آ.د.ک). وظایف و اختیارات دادستان نظامی و دیگر مقامات قضایی دادرسی نظامی همان وظایف و اختیاراتی است که برای دادستان عمومی و انقلاب و مقامات قضایی این دادسرا مقرر شده است (ماده ۵۸۱ ق.آ.د.ک).

۱-۱-۴- دادرسی ویژه روحانیت

دادرسی ویژه روحانیت در معیت دادگاه ویژه روحانیت به امر تعقیب و تحقیق در جرایم و امور مربوط به صلاحیت این دادگاه می‌پردازد. مطابق آیین‌نامه دادرسی و دادگاه‌های ویژه روحانیت مصوب ۱۳۶۹ با اصلاحات ۱۳۸۴، کلیه جرایم و یا اعمال خلاف شأن روحانیان، کلیه اختلافات محلی محل به امنیت عمومی در صورتی که طرف اختلاف روحانی باشد و همچنین اموری که از سوی مقام رهبری ارجاع گردد، در صلاحیت دادرسی‌های ویژه روحانیت است. این دادرسی‌ها که در بازده شهر معین شده در آیین‌نامه مذکور تشکیل شده‌اند، مرکب از دادستان در رأس دادسرا و تعدادی معاون و دادیار هستند، ولی در تشکیلات این دادرسی‌ها بازپرس پیش‌بینی نشده است.

۱-۱-۲- اجزای نهاد دادستانی

مجموعه وظایف و تکالیفی که برعهده نهاد دادستانی قرار داده شده است، به حدی است که دادستان به تنهایی از عهده این وظایف بر نمی‌آید و عملاً دادستان بیشتر وظیفه مدیریت این تکالیف را برعهده دارد.

ادعنامه صادر کند و مدعی‌العموم می‌باشد» (عمید، ۱۳۹۱: ۶۵۲). دادستان در نظام حقوقی ایران، نهادی برگرفته از نظام حقوقی فرانسه است و با عناوین دیگری همچون «مدعی‌العموم» و «پارکه» نیز شناخته می‌شود. دادستان در ایران یک مقام قضایی است که در راستای حفظ حقوق عمومی و نظارت بر اجرای قوانین مطابق قوانین و مقررات انجام وظیفه می‌نماید، مضافاً این که در مواردی هم که جرم دارای شاکی خصوصی نبوده، لیکن به‌نوعی به جامعه خسارات وارد کرده باشد، دادستان به نمایندگی از طرف مردم علیه مرتکبین جرم اقامه دعوی خواهد کرد (بیکی خورتابی، ۱۳۹۲: ۱۵).

انجام امور مربوط به تعقیب امر کیفری به تنهایی از عهده یک شخص به نام دادستان بر نمی‌آید و به همین دلیل باید از ساختاری صحبت نمود که مدیریت این امر را برعهده دارد و در ایران نهاد دادستانی در قالب «دادسرا» تبلور یافته است.

۱-۱-۱- دادسرا

دادسرا سازمانی است که وظیفه آن حفظ حقوق عامه، نظارت بر حسن اجرای قوانین و تعقیب کیفری بزهکاران است (آخوندی، ۱۳۸۶: ۵۱). نهاد دادستانی در ایران، دادسرا می‌باشد. دادستان هر شهرستان به‌عنوان رییس دادرسی آن شهر می‌باشد و در دادرسی‌های کیفری به‌عنوان وکیل جماعت و نماینده جامعه جرایم را تحت تعقیب قرار می‌دهد. درواقع وظیفه دادستان همان وظایف نهاد دادسرا می‌باشد، در هر موردی که قانون‌گذار برای دادسرا وظایف و تکالیفی تعیین نموده، همان امر از وظایف دادستان می‌باشد.

۱-۱-۱-۱- دادسرای دیوان عالی کشور

این دادسرا در کنار دیوان عالی کشور انجام وظیفه می‌کند و چون مقر دیوان عالی کشور در پایتخت و دارای شعبی نیز در قم و مشهد است، محل تشکیل این دادسرا نیز در این شهرهاست.

۱-۱-۱-۲- دادرسی عمومی و انقلاب

دادرسی عمومی و انقلاب متشکل از دادستان به‌عنوان ریاست دادسرا، تعدادی معاون، دادیار، بازپرس و کارمند اداری

۱-۲-۱-۱- معاونین دادستان

دادستان می‌تواند وظایف محوله را طبق قوانین مربوط شخصاً و راساً خودش انجام دهد و هم می‌تواند وظایف محوله خود را طبق قوانین به معاونان خود ارجاع دهد، البته وظایفی که الزاماً برعهده بازپرس می‌باشد، قابل واگذاری به دیگری نمی‌باشد (جوانمرد، ۱۳۹۸: ۵۲). معاون دادستان کسی است که با ارجاع دادستان یا در غیاب وی عهده‌دار انجام تمام و یا برخی از وظایف و اختیارات قانونی دادستان می‌باشد. لازم به ذکر است که معاون دادستان تابع نظر دادستان بوده و اختلاف عقیده بین آنان مفهوم قضایی ندارد.

۱-۲-۱-۲- بازپرس

یکی از مقامات مهم در دادسرا می‌باشد که تحقیقات مقدماتی جرایم و جمع‌آوری دلایل بر له و علیه متهم را تحت نظارت دادستان برعهده دارد. با این‌که بازپرس از قضات دادسرا بوده و زیر نظر دادستان انجام وظیفه می‌نماید، دارای اختیارات وسیع نسبت به دادستان و به‌طور نسبی از استقلال قضایی برخوردار می‌باشد (رحمدل، ۱۳۹۴: ۸۴). به عبارت دیگر، بازپرس دادرسی است که شغل وی استنطاق از متهمین در مورد کشف جرم است و ممانعت از فرار متهم از اهم وظایف وی می‌باشد (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۴: ۲۱۲).

۱-۲-۱-۳- دادیاران

دادیار مقام قضایی است که تحت نظر دادستان و به نمایندگی از طرف دادستان انجام وظیفه می‌نماید. دادیار فی‌الذات در قانون دارای وظایف و اختیار نمی‌باشد، بلکه وظایف وی ناشی از وظایف دادستان می‌باشد. دادیار حق مخالفت با تصمیم دادستان را ندارد و همچنین کلیه قرارها و تعلیمات دادیار می‌بایست با موافقت دادستان باشد. هر دادستان می‌تواند برحسب تعدد پرونده، تراکم جمعیت و گستردگی حوزه قضایی، دادیاران متعدد داشته باشد و هر دادیار به نام دادستان انجام وظیفه می‌نماید.

کلیه قرارهای دادیار بایستی با موافقت دادستان باشد و در صورت اختلاف، نظر دادستان ملاک است و باید اجرا شود (آشوری، ۱۳۹۸: ۸۷).

۱-۲-۱-۴- ضابطان دادگستری

ضابطین دادگستری بازوی اجرایی نهاد دادستانی در انجام وظایفش می‌باشد. قانون تکالیف زیادی برعهده ضابطین دادگستری قرار داده که از نخستین لحظه‌های پس از وقوع جرم تا واپسین دقایق اجرای مجازات را دربر می‌گیرد و شامل کشف جرم، گزارش وقوع آن به دادسرا، جلوگیری از محو دلایل و آثار جرم، ممانعت از فرار متهم، انجام دستورات مقام قضایی در تحقیق و بازجویی و ابلاغ اوراق قضایی می‌شود (خالقی، ۱۳۹۸: ۵۱).

۱-۳-۱-۱- ویژگی‌های نهاد دادستانی (دادسرا) در ایران

نهاد دادستانی در ایران که همان دادسرا می‌باشد، برگرفته از نظام حقوقی فرانسه بوده و می‌توان خصوصیات ذیل را برای نهاد دادستانی در ایران بیان کرد.

۱-۳-۱-۱- سلسله‌مراتب

قضات دادسرا تابع اصل سلسله‌مراتب هستند و همچون روابط اداری می‌توان رابطه رییس و مرئوس و تبعیت از نظر مقام بالاتر را میان آن‌ها مشاهده نمود. به عبارت دیگر، در یک دادسرا، دادستان، معاون دادستان و دادیار از لحاظ سلسله‌مراتب در یک ردیف نیستند و در طول هم قرار دارند، به‌طوری‌که دادستان در رأس دادسرا قرار دارد و معاونین و دادیاران از دستورات اداری و حتی نظرات قضایی او تبعیت می‌کنند. دادیار علاوه بر تبعیت از نظرات دادستان ملزم به رعایت نظر معاون ذی‌ربط او نیز هست.

۱-۳-۱-۲- وحدت نهاد دادستانی

مجموعه قضات دادسرا بدنه واحدی را تشکیل می‌دهند و اقدام هر یک از آن‌ها به‌عنوان اقدام دادسرا تلقی می‌شود. در دادسرا دادستان، معاون او و دادیار هر یک ممکن است به جای یکدیگر انجام وظیفه کنند، به‌گونه‌ای که برخی از حقوق‌دانان، کارمندان دادسرا را به اموال مثلی تشبیه کرده‌اند (متین‌دفتری، ۱۳۹۸: ۱۶۷)، بدین ترتیب، دادستان می‌تواند در مورد پرونده‌هایی که صلاحیت انجام تحقیقات مقدماتی را دارد، خود شخصاً به این کار بپردازد یا آن را به معاون خود یا یکی از دادیاران واگذار نماید.

۱-۳-۳- استقلال نهاد دادستانی

دادسرا هم در برابر دادگاه و هم در مقابل طرفین شکایت در یک پرونده از استقلال برخوردار است. استقلال دادسرا در برابر دادگاه بدین معناست که چنانچه دادگاه در جریان رسیدگی به یک پرونده از وقوع جرمی مطلع شد، نمی‌تواند شروع به تعقیب کیفری را از دادسرا بخواهد و یا در پایان تحقیقات دادسرا، چنانچه نظر به محاکمه متهم باشد، دادسرا می‌تواند به تشخیص خود کیفرخواست صادر و پرونده را جهت رسیدگی به دادگاه ارسال نماید و دادگاه موظف به محاکمه متهم خواهد بود (رحمدل، ۱۳۹۴: ۴۸).

۱-۳-۴- غیرقابل رد بودن نهاد دادستانی

اصولاً عقیده بر این است که برخلاف قضات دادگاه که ممکن است براساس قاعده رد دادرسی از رسیدگی به یک پرونده ممنوع شوند، قضات دادسرا توسط متهم غیرقابل رد هستند، زیرا در دعوای عمومی، دادسرا خود یک طرف دعواست که علیه متهم به تعقیب دعوا می‌پردازد و اصولاً یک طرف نمی‌تواند طرف مقابل خود را رد کند (Gaston, 2008: 146).

اما در ایران ماده ۴۲۴ قانون آیین دادرسی کیفری مقرر می‌دارد: «مقامات قضایی دادسرا نیز باید در صورت وجود جهات رد دادرسی، از رسیدگی امتناع کنند. شاکی، مدعی خصوصی یا متهم نیز می‌توانند دادستان یا بازپرس را رد و مراتب را به صورت کتبی به او اعلام کنند. در صورت قبول ایرادی دادستان یا بازپرس از رسیدگی و مداخله در موضوع امتناع می‌نماید و رسیدگی حسب مورد، به جانشین دادستان یا بازپرس دیگر محول می‌شود و در غیر این صورت، باید قرار رد ایراد صادر و به مدعی رد، ابلاغ شود. مدعی رد می‌تواند در مهلتی که برای اعتراض به سایر قرارها مقرر شده است، به دادگاه صالح برای رسیدگی به جرم اعتراض کند. رأی دادگاه در این مورد قطعی است.»

۱-۳-۵- عدم مسؤلیت نهاد دادستانی

«معنای عدم مسؤلیت دادسرا این است که به‌منظور تأمین شرایط مناسب برای کشف و تعقیب جرایم که وظیفه اصلی دادسرا را تشکیل می‌دهد، در صورت براءت متهم از اتهام منتسب به او دادسرا را نمی‌توان به جبران خسارات متهم محکوم و یا به‌عنوان مفتری مسؤول قلمداد نمود، مگر

در صورت ارتکاب یک خطای شخصی» (François, 2007: 131).

۱-۲-۱- نهاد دادستانی در ایالات متحده آمریکا

مانند کشور ایران، نهاد دادستانی در ایالات متحده آمریکا چه در سطح فدرال و چه در سطوح ایالاتی وظایف دیگری غیر از تعقیب را نیز برعهده دارد، هرچند وظیف اصلی نهاد دادستانی، تعقیب کیفری جرایم روی داده در کشور می‌باشد.

تعقیب کیفری در ایالات متحده در سطح فدرال، عمدتاً توسط وزارت دادگستری و از طریق نظام تعیین شده برای برقراری «عدالت اصلی» در دی‌سی^۱ و دفاتر دادستانی ایالات متحده^۲ که در سراسر کشور پراکنده هستند، انجام می‌شود. در برخی موارد، وکلای سازمان‌های فدرال با بررسی پرونده‌ها، جمع‌آوری شواهد، انجام تحلیل‌های پزشکی قانونی و ارائه راهنمایی‌های قانونی به وزارت دادگستری و ایالات متحده آمریکا در تعقیب قضایی کمک می‌کنند. به‌عنوان مثال، آژانس حفاظت از محیط زیست^۳ تقریباً ۴۵ وکیل دارد که با کمک به دادستان‌های فدرال، ایالتی و محلی در شروع تعقیب جرایم زیست‌محیطی متخصص هستند. در سطح ایالتی و محلی، دفاتر دادستانی منطقه (گاهی اوقات به‌عنوان دادستان‌های شهرستان یا ایالت شناخته می‌شوند) که در شهرهای بزرگ اکثر ایالت‌ها وجود دارند، معمولاً با دخالت دفتر دادستان کل ایالت، نسبت به انجام تعقیب کیفری اقدام می‌نمایند. شناخت نهاد دادستانی در ایالات متحده آمریکا، مستلزم آن است که با انواع دادستان‌ها و همکاران آن‌ها در نهاد دادستانی آمریکا آشنا شویم.

۱-۲-۱- جایگاه نهاد دادستانی در ساختار کلی نظام حقوقی آمریکا

ساختار کلی نظام حقوقی آمریکا به‌نحوی است که این انتظار و توقع وجود دارد که از دل این نظام، حداکثر آزادی فراهم شود. «مردم آمریکا با قراردادن حکومت قانون و اعتماد خود در دست نظام قضایی آمریکا نهایت ایمان خود را به آن نشان داده‌اند» (بلماز و اوربک، ۱۳۹۶: ۱۴). توجه به حقوق در این

^۱- DC

^۲- USAOs

^۳- The Environmental Protection Agency

۱-۲-۲- ساختار نهاد دادستانی در آمریکا

مانند بسیاری دیگر از نهادهای سیاسی و قضایی، دادستانی نیز در آمریکا در دو سطح فدرال و ایالتی وجود دارد. شناخت نهاد دادستانی در آمریکا، مستلزم شناخت این ساختارهای فدرال و ایالتی و محلی است.

۱-۲-۲-۱- دادستانی کل ایالات متحده آمریکا

مهم‌ترین رکن نهاد دادستانی در ایالات متحده آمریکا «دادستانی کل ایالات متحده آمریکا»^۱ می‌باشد که ریاست آن با «دادستان کل آمریکا»^۲ می‌باشد. قانون قضایی سال ۱۸۹۷^۳ دفتر دادستان کل را ایجاد کرد که در طول سال‌ها به ریاست وزارت دادگستری و افسر ارشد اجرای قانون دولت فدرال تبدیل شد. دادستان کل به‌طور کلی نماینده ایالات متحده در امور حقوقی است و در صورت درخواست به رییس جمهور و رؤسای ادارات اجرایی دولت مشاوره و نظر می‌دهد. در موارد فوق‌العاده مهم و با اهمیت، دادستان کل شخصاً در دادگاه عالی حاضر می‌شود. ساختار تصویب‌شده دادستانی کل آمریکا در سال ۲۰۲۱ به‌شرح نمودار زیر است.

کشور بسیار زیاد است و در مقیاس کشوری «بیش از یک میلیون حقوق‌دان در تمام کشور فعالیت می‌کنند و چه خوب و چه بد، بیشتر مردم در دعاوی خود از مشاوره آنان کمک می‌گیرند» (Krug, 2012: 45-95). یکی از این خدمات این است که متهمان تا حد ممکن در معرض دادرسی کیفری قرار نگیرند (ای کارپ و استیدهام، ۲۰۰۴: ۱۱۸).

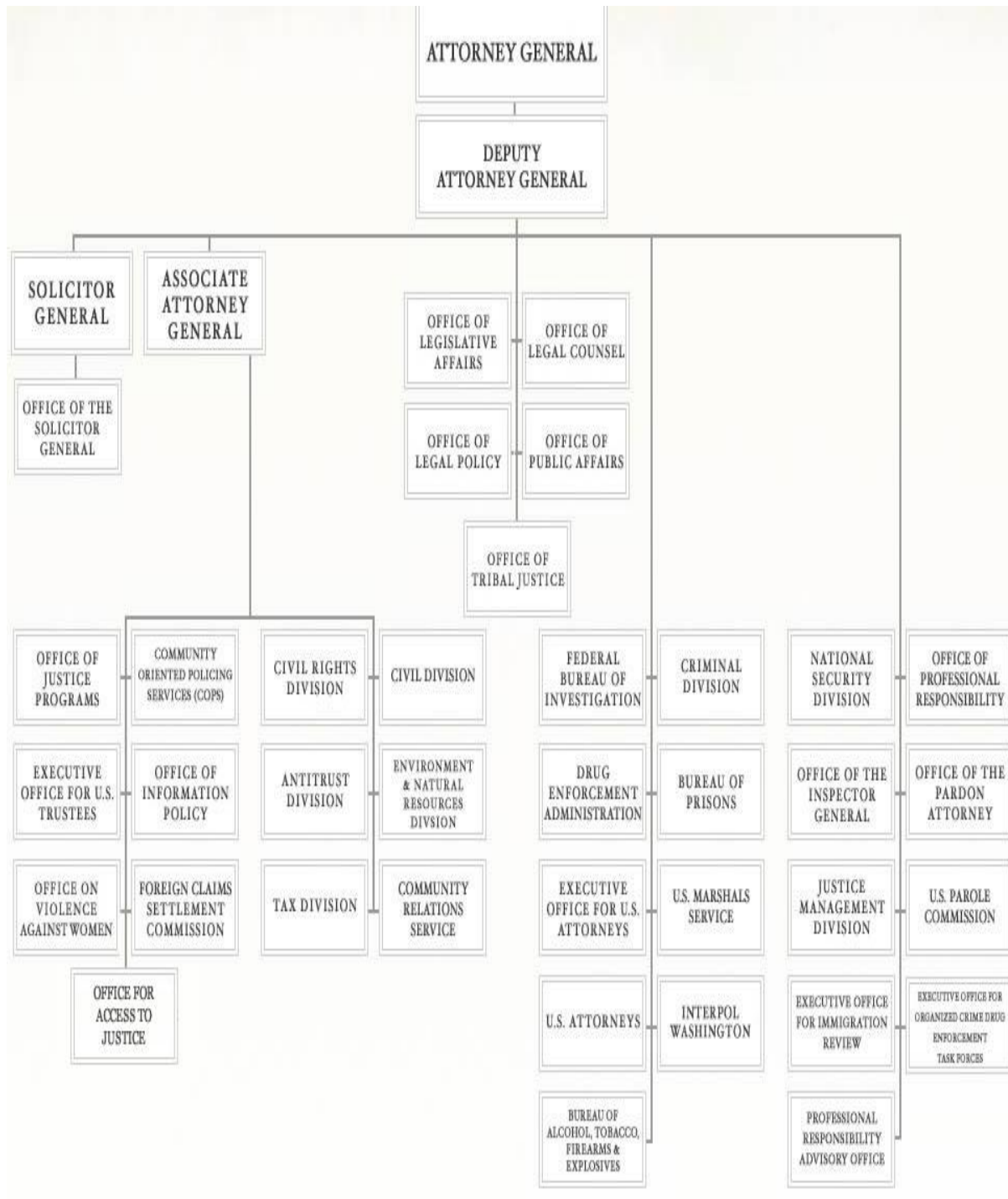
«سیستم حقوقی آمریکا، وارث هر دو نظام حقوقی کامن‌لا و رومی ژرمنی است. نظام حقوقی کامن‌لا در آمریکا از نظام حقوقی بریتانیا تبعیت کرده است. کامن‌لا توسط حقوق‌دانان شکل گرفته است و در آن به سابقه قضایی رجوع می‌شود. قاضی کامن‌لا از اصول موجود شروع و راه‌حلی سازگار یا مشابه با اصول پیشین اتخاذ می‌کند، وی از انبوه آرای قضایی به‌عنوان قطعاتی معلوم، روشن و متناسب با شرایط اجتماعی هم‌عصر خود استفاده می‌کند و اهمیت آن در حفظ انسجام و حرکت بین گذشته و آینده است. در این سیستم قضات در صدور رأیی مستدل از شیوه‌های مناسب‌تری نسبت به سیستم‌های دیگر استفاده می‌کنند» (Waluchow, 2007: 17). به‌دلیل این‌که بر ثبات و انسجام رویه قضایی تأکید می‌کند و با در نظر داشتن شرایط متغیر اجتماعی براساس صلاحیت قانونی، تغییر و ابداعاتی ایجاد می‌کند که هم اختلافات حقوقی را حل‌وفصل و هم در قضایای بعدی از آن تبعیت می‌کند. این ساختار به‌شدت بر نحوه تعقیب کیفری تأثیرگذار است.

^۱ - Office of the Attorney General

^۲ - Attorney General

^۳ - دادستان کل مریک بی‌گارلند (Merrick B. Garland) به‌عنوان هشتمین دادستان کل ایالات متحده در ۱۱ مارس ۲۰۲۱ سوگند یاد کرد و در حال حاضر دادستان کل ایالات متحده آمریکاست.

^۴ - The Judiciary Act of 1789



نظارت می‌کند. دادستان کل ایالات متحده توسط رییس جمهور منصوب می‌شوند و توسط سنا تأیید می‌شوند.

در این ساختار، دادستان کل کلیه امور اجرائی را به «معاون دادستان کل»^۱ واگذار کرده و خود بر امور دادستانی کل،

^۱ - Deputy Attorney General

۱-۲-۲- دادستانی دفاتر دادستانی فدرال

در ساختار نهاد دادستانی ایالات متحده آمریکا، تعدادی دفاتر دادستانی فدرال وجود دارد که در رأس هر دفتر یک دادستان فدرال قرار دارد. دادستان‌های فدرال^۱ به‌عنوان گروه مهمی از نظام دادستانی در ایالات متحده آمریکا شناخته می‌شوند. در سطح فدرال، دادستان‌ها به‌عنوان وکلای ایالات متحده شناخته می‌شوند. یک وکیل ایالات متحده برای هر ناحیه دادگاه فدرال در ایالات متحده وجود دارد. رییس‌جمهور وکلای ایالات متحده را منصوب می‌کند که عمدتاً به‌عنوان سرپرست خدمت می‌کنند. دستیاران وکلای ایالات متحده بخش عمده‌ای از کار محاکمه را انجام می‌دهند. دادستان کل ایالات متحده که افسر ارشد اجرای قانون در ایالات متحده و

وزیر دادگستری است، مسؤولیت نظارت بر وکلای ایالات متحده را برعهده دارد. ۹۴ وکیل ایالات متحده و نزدیک به ۵۸۰۰ دستیار دادستان فدرال به‌شدت نقض قوانین فدرال، مانند جرایم یقه سفید، قاچاق مواد مخدر، و فساد عمومی را بررسی می‌کنند.

دادستان‌های فدرال ایالات متحده آمریکا^۲ در ۹۴ دفتر دادستانی ایالات متحده^۳ واقع در سراسر ایالات متحده، پورتوریکو، جزایر ویرجین ایالات متحده، گوام و جزایر ماریانای شمالی کار می‌کنند. نحوه استقرار این دفاتر دادستانی فدرال را در نقشه زیر می‌توان مشاهده کرد.

^۲- Assistant United States Attorneys

^۳- USAOs: United States Attorneys' offices

^۱- U.S. Attorneys



۱-۲-۲-۴- دادستانی مقامات تعقیب مستقل

مقامات تعقیب مستقل مقاماتی هستند که به طور مستقل از مقامات بلندپایه دولتی تحقیق می‌کنند و در مورد اتهامات وارده بر آن‌ها از هر نوعی از مصرف کوکائین توسط دستیاران ارشد کاخ سفید گرفته تا شهادت دروغ توسط رییس جمهور، تحقیق می‌کنند. هدف از تعیین مقامات تعقیب مستقل، تضمین اعتماد عمومی به بی‌طرفی هرگونه تحقیقات جنایی در مورد رفتار مقامات ارشد در شاخه اجرایی دولت فدرال است.

بخش عمده‌ای از تکالیف دادستانی در سطح فدرال از طریق دفاتر دادستانی فدرال و اجزای وابسته به آن صورت می‌گیرد.

۱-۲-۲-۳- دادستانی دفاتر دادستانی منطقه‌ای

دادستانی منطقه‌ای سومین ساختار مهم در نظام دادستانی در ایالت متحده آمریکاست. در یک ایالت به طور معمول، تعقیب کیفری توسط دادستانی منطقه صورت می‌گیرد، به استثنای چند پرونده که توسط دادستانی کل ایالت رسیدگی می‌شود. دفاتر دادستانی منطقه ممکن است توسط ناحیه یا ناحیه قضایی سازماندهی شوند و معمولاً توسط یک دادستان منتخب یا منصوب اداره می‌شوند.

باندها و جنایات سازمان‌یافته، قاچاق مواد مخدر و قاچاق انسان توسط نهاد دادستانی فدرال تحت تعقیب قرار می‌گیرد (Petrie, 2001: 25).

۲-۱- الزام به تعقیب توسط دادستانی و شیوه تقسیم کار
ارتکاب جرایم در جامعه آمریکا و افزایش جرایم و به‌خصوص جرایم خشن، لزوم تعقیب کیفری در این کشور را به یک دغدغه جدید تبدیل کرده است، لیکن هنوز هم در این کشور اصل بر مقتضی بودن تعقیب است و هیچ اصلی مبنی بر الزامی بودن تعقیب وجود ندارد، اما این بدان معنا نیست که جرایم در آمریکا تحت تعقیب کیفری قرار نمی‌گیرند. در این خصوص نهاد دادستانی با تقسیم کار براساس اصول مختلف مبادرت به تعقیب کیفری جرایم ارتكابی در این کشور می‌کند.

۲-۱-۱- شیوه تقسیم کار در تعقیب کیفری
باتوجه به تشکلات دادستانی در آمریکا، تقسیم کار بین دادستان‌ها در مورد شروع تعقیب کیفری به شرح زیر است:

دادستان‌های فدرال اکثر ارجاعات جنایی خود یا «موضوعات» خود را از سازمان‌های تحقیقاتی فدرال، از جمله اداره تحقیقات فدرال، اداره مبارزه با مواد مخدر، اداره الکل، تنباکو، سلاح گرم و مواد منفجره، اداره مهاجرت و گمرک ایالات متحده، سرویس مخفی ایالات متحده، و سرویس بازرسی پستی ایالات متحده.

دادستان‌های ایالات متحده به‌عنوان اصحاب دعوی حقوقی فدرال کشور تحت هدایت دادستان کل خدمت می‌کنند. آن‌ها توسط رییس جمهور منصوب و توسط سنا تأیید می‌شوند. یک دادستان ایالات متحده برای خدمت در هریک از ۹۳ حوزه قضایی منصوب شده است و به‌عنوان افسر ارشد اجرای قانون فدرال ایالات متحده در حوزه قضایی خود، مسؤولیت تعقیب پرونده‌های جنایی را که توسط دولت فدرال مطرح می‌شود را برعهده دارد همچنین برای تعقیب و دفاع از پرونده‌های مدنی که دولت فدرال در آن‌ها طرف دعوا است و برای وصول بدهی‌های بدهکار به دولت فدرال که از طریق اداری قابل وصول نیست، صلاحیت پیگیری را دارد.

۱-۲-۵- دادستانی دادستان خصوصی

برخی از قوانین در ایالات متحده آمریکا و از جمله «قانون ادعاهای دروغین فدرال»، «قوانین مختلف فدرال محیط زیست»، «قانون رقابت ناعادلانه کالیفرنیا» و سایر قوانین ایالتی به شهروندان اجازه می‌دهد تا به‌عنوان «دادستان کل خصوصی» خدمت کنند، حتی اگر متحمل آسیب مستقیم یا اندکی از دست افراد متخلف شده باشند.

شاید قوی‌ترین قانونی که به شهروندان خصوصی اجازه می‌دهد رفتار مجرمانه را تحت پیگرد قانونی قرار دهند، قانون ادعاهای دروغین فدرال باشد. این قانون که در ابتدا به‌عنوان «قانون لینکلن» نامیده می‌شد، در سال ۱۸۶۳ در پی جنگ داخلی برای مبارزه با مشکل قراردادهای دفاعی متقلبانه وضع شد. کنگره در سال ۱۹۸۶ این قانون را به‌طور اساسی اصلاح کرد و این قانون اکنون به شاکیان خصوصی اجازه می‌دهد تا از طرف دولت، علیه پیمانکاران و سایر طرف‌هایی که آگاهانه مرتکب جرم می‌شوند، اقدام کنند. حوزه دومی که در آن شاکیان خصوصی می‌توانند برای اجرای تعهدات عمومی اقامه دعوی کنند، قانون محیط زیست فدرال است. قانون هوای پاک، قانون آب پاک، قانون گونه‌های در خطر انقراض، قانون کنترل مواد سمی و چندین قانون فدرال دیگر به «هر شخصی» اجازه می‌دهد که علیه طرف‌هایی که مقررات اساسی آن قوانین را نقض می‌کنند، شکایت مدنی اقامه کند.

۲- مدیریت تعقیب کیفری توسط نهاد دادستانی در آمریکا

نظام دادستانی فدرال در ایالات متحده آمریکا اکثریت قریب به اتفاق پرونده‌های جنایی را که توسط دولت فدرال مطرح می‌شود و حجم کار فوق‌العاده متنوعی را نشان می‌دهد، بررسی کرده و پیگرد قانونی را نسبت به آن‌ها آغاز می‌نماید. همچنین در سطح هر ایالت نیز دادستان‌های ایالتی نسبت به تعقیب کیفری جرایم ارتكابی که علیه دولت فدرال نیستند، اقدام می‌نمایند (Fallon, 2004: 98). در سطح فدرال انواع پرونده‌ها شامل تروریسم بین‌المللی و داخلی مهاجرت غیرقانونی، استثمار کودکان، استفاده از سلاح گرم و جنایات خشونت‌آمیز، سرقت هویت، فساد عمومی، سوءاستفاده از تدارکات دولت، تقلب در اوراق بهادار و تقلب در وام مسکن،

شامل موافقت متهم با پذیرش تقصیر نسبت به همه اتهامات یا بخشی از آنها در عوض اغماض و تساهل می‌شود» (حیدری، ۱۳۹۵: ۴۲).

«نهاد داد و ستد اتهام، شیوه‌های از راهبرد توافقی‌شدن حقوق کیفری است که در پی ناتوانی حقوق کیفری سنتی در کاهش نرخ جرم به‌وجود آمده است. درواقع راهبرد حقوق کیفری توافقی این است که به‌جای برخورد یک‌سویه با متهم، یک شیوه دوسویه و سازشی را در برخورد با او در پیش می‌گیرد و هم‌نظری مقام قضایی و بزهکار به این راهبرد، جنبه توافقی می‌بخشد» (نیازپور، ۱۳۹۰: ۱۶).

۲-۲-۲- مبنای معامله اتهام و اهداف آن

«در جرایم شدید و مهم و در اتهامات سیاسی، دادستان ممکن است در احترام به قربانی و با در نظر گرفتن احساسات عمومی تمایل به توافق نداشته باشد. برای نمونه دادستان‌ها معمولاً با کسانی که متهم به تجاوز به عنف یا قتل عمد هستند، وارد معامله نمی‌شوند» (Clifford, 1983: 7).

نهاد معامله اتهام از نظر اهداف، منفعت فرد، جامعه، دولت و گاهی بزه‌دیده را در پی دارد و به‌نوعی «مدیریت دادستان بر پرونده‌های کیفری را متجلی می‌سازد» (حیدری، ۱۳۹۵: ۴۵).

۲-۲-۳- ماهیت و شرایط معامله اتهام

«معامله اتهام یک مذاکره است و هرچند هریک از طرفین مذاکره قادر به شروع آن هستند، اما در حوزه اقتدار دادستان است که تصمیم بگیرد پیشنهاد معامله بدهد یا خیر. غیبت متهم یا سایر رفتارهای اعتمادشکن از سوی وی می‌تواند دادستان را از پیشنهاد معامله منصرف کند؛ نکته دوم این‌که، معامله اتهام بین متهم و دادستان انجام می‌شود و این متهم است که تصمیم نهایی را درخصوص پذیرش معامله اتخاذ می‌کند. با این وجود، در آمریکا پیش‌بینی شده است که وکیل متهم باید از پیشنهاد معامله مطلع شده و با او در این خصوص مشورت شود» (Alschuler, 1968: 50-112).

«از حیث شرایط چانه‌زنی در اتهام تنها زمانی معتبر است که سه مؤلفه اساسی وجود داشته باشد: نخست آنکه در نتیجه این معامله، فرد از حق خود برای محاکمه در دادگاه چشم‌پوشی

اختیارات یک دادستان منطقه یا دادستان فدرال به‌طور گسترده از قوانین مصوب، رویه قضایی و رویه حاکم و به‌طور خاص از وظایف سنتی برای دفتر دادستانی ناشی می‌شود.

۲-۱-۲- نهاد دادستانی و اختیارات پلیس در تعقیب کیفری

دخالت پلیس در مراحل دادرسی کیفری در آمریکا دارای سابقه تاریخی است. در این کشور مرحله بازداشت اولین تماس اساسی میان فرد متهم و ایالت است. در نظام حقوقی آمریکا دو نوع بازداشت وجود دارد. بازداشت با دستور کتبی و بازداشت بدون دستور «کتبی دستور کتبی برای بازداشت زمانی صادر می‌شود که شخصی برای شکایت از یک شخص دیگر پرونده‌ای تشکیل می‌دهد، هنگامی که رییس دادگاه بخش این پرونده را ملاحظه و بررسی نمود، و در صورتی که او دلیلی برای بازداشت متهم یافت، حکم بازداشت صادر می‌شود. در موارد بازداشت بدون حکم، جرم در برابر پلیس واقع می‌شود و یا هنگامی که افسر پلیس دلایل کافی در اختیار دارد که به‌موجب آن متهم مرتکب جرم شده و یا در شرف ارتکاب آن است. این ادعا باید بعداً طی اظهاریه یا شهادت افسر پلیس اثبات گردد. در ایالات متحده ۹۵ درصد از موارد بازداشت بدون حکم کتبی صورت می‌پذیرد» (Clack, 2004: 5). در زمینه‌های متعددی، نیروهای پلیس حداکثر آزادی عمل را دارند. موارد جزئی قانون شکنی محل اعمال اصل موقعیت داشتن تعقیب توسط پلیس است.

۲-۲-۲- مدیریت تعقیب کیفری توسط دادستان‌ها

در نظام حقوقی آمریکا، اصل بر موقعیت داشتن تعقیب است و اصل الزامی بودن تعقیب در واقع وجود ندارد و الزام فقط بعد از احراز موقعیت حاصل می‌شود. دادستان‌ها در آمریکا از طریق اعمال این اصل به مدیریت تعقیب کیفری می‌پردازند.

۲-۲-۱- نهاد دادستانی و معامله اتهام

«معامله اتهام قراردادی است که طرفین آن را متهم و دادستان تشکیل می‌دهند. درواقع می‌توان گفت معامله اتهام قراردادی است بین مقام تعقیب و متهم که هر دو طرف ملزم به رعایت آن هستند و به‌موجب آن متهم در اذای اقرار به ارتکاب جرم از مزایایی برخوردار می‌شود. به‌بیان دیگر، معامله اتهام یک توافق در پرونده‌های کیفری است و به‌طور معمول،

۲-۳-۱- ظلم احتمالی به متهم

«اگر دادستان به نمایندگی از جامعه، وظیفه اقامه دعوی عمومی را به عهده دارد، چگونه می‌تواند دستور یا ضمانت اجرایی را در قالب برخی اشکال اقتضای تعقیب بر متهم تحمیل کند؟ امروزه سخن از برابری سلاح‌ها در آیین دادرسی است. دادستان و متهم تا حد امکان برابر فرض می‌شوند، پس چگونه دادستان می‌تواند ضمانت اجرا را بر متهم تحمیل نماید؟ در پاسخ می‌توان گفت که غالباً موافقت متهم در این فرایند شرط است، لذا از این حیث اشکالی وارد نیست. ایراد دیگر آن است که فرض برائت در طول فرایند دعوی کیفری تداوم داشته به این ترتیب که علاوه بر مرحله محاکمه، مرحله تحقیقات مقدماتی را نیز دربر گرفته است و این فرض تنها پس از طی مراحل قطعیت حکم محکومیت پایان می‌پذیرد» (پرادل و دیگران، ۱۳۹۳: ۵۳۹).

۲-۳-۲- مخدوش شدن اقتدار عدالت کیفری

«نظام مبتنی بر عدم لزوم تعقیب کیفری ممکن است اقتدار عدالت کیفری را مخدوش سازد از جهتی شاید این ایراد منطقی به نظر برسد، چراکه با تبعیت از چنین سیستمی ممکن است که پاره‌ای از جرایم تعقیب نشوند» (نیازپور، ۱۳۹۰: ۸۶).

۳- مدیریت تعقیب کیفری توسط نهاد داستانی در ایران

تعقیب جرایم مهم‌ترین وظیفه داستانی است تا پس از تشکیل و تکمیل پرونده تحقیقات مقدماتی، زمینه محاکمه و صدور حکم توسط دادگاه فراهم گردد.

۳-۱- تکلیف داستانی به تعقیب کیفری

از آنجا که نهاد داستانی نماینده جامعه است و جامعه نیز با قائل شدن جنبه عمومی برای جرم، آن را از روابط شخصی میان مرتکب و بزه‌دیده خارج ساخته و سزاوار مجازات دانسته است، هرگاه دادستان به طریقی از وقوع جرم مطلع شود باید تعقیب کیفری را به جریان اندازد و نمی‌تواند آن را نادیده بگیرد.

۳-۱-۱- جهات قانونی شروع به تعقیب

«دادسرا در راستای انجام وظیفه اصلی خود، به هر طریقی که از وقوع جرمی مطلع شد، باید تعقیب کیفری را به جریان

می‌کند؛ دوم آنکه این چشم‌پوشی باید داوطلبانه باشد نه این‌که دادستان با استفاده از قدرت قانونی خویش و با انگیزه به حداکثر رساندن سود حاصل از چانه‌زنی، شخص را به اجبار وارد معامله نماید و سوم برای حمایت از اتهامات عنوان‌شده علیه متهم که وی اقرار به آن کرده و مجرمیت خویش را پذیرفته است، اساس واقعی وجود داشته باشد، زیرا در معامله اتهام و با اقرار مصلحتی به جرم، احتمال محکومیت یک بیگناه وجود دارد و در نتیجه، باعث صدور حکم ناعادلانه می‌شود» (Pradeep, 2010: 121).

۲-۲-۴- نهاد داستانی بازیگر اصلی معامله اتهام

«دادستان و متهم دو بازیگر چانه‌زنی در اتهام‌اند. دادستان مهم‌ترین مقام در نظام عدالت کیفری در مرحله پیش‌دادرسی است که در تصمیم برای نسبت‌دادن اتهام از وی انتظار می‌رود که به طیف گسترده‌ای از عوامل توجه کند، از جمله کفایت دلایل، میزان آسیب‌های ناشی از جرم، تناسب مجازات مجاز در خصوص جرم خاص یا مجرم، همکاری متهم در دستگیری یا محکومیت دیگران و هزینه دادرسی در نظام عدالت کیفری. افزون بر این، دادستان به چگونگی برخورد زیان‌دیده، جلوگیری از ورود ضرر به متهم، قابلیت دسترسی رویه‌های جایگزین، استفاده از مجازات‌های مدنی و قصد متهم برای همکاری توجه می‌کند» (Krug, 2012: 45-95). «با در نظر گرفتن ماهیت پیچیده تصمیم‌گیری دادستان در مرحله پیش‌دادرسی، قائل شدن درجه خاصی از اختیار برای دادستان به منظور سنجش وضعیت متهمان، اسباب تضمین رویکردی انعطاف‌پذیر در راستای پیشبرد منافع فرد و جامعه و نیز مدیریت پرونده‌های کیفری را فراهم می‌آورد.» «دادستان‌ها موظف به پیشنهاد معامله اتهام به همه متهمان نیستند» (Gifford, 1983: 126). به‌طور حتم مجرمان بسیار خطرناک برای جامعه نمی‌توانند طرف دیگر میز توافق باشند.

۲-۳- چالش‌های داستانی در مدیریت تعقیب کیفری

دادستان‌ها در مدیریت تعقیب کیفری با چند چالش مهم روبه‌رو هستند.

موارد باوجود اطلاع از وقوع جرم، نمی‌تواند اقدام به تعقیب کیفری متهم نماید، بلکه ابتدا باید دلایل و مدارک توجه اتهام به متهم را در اختیار مرجعی خاص قرار داده، اجازه آن را برای شروع به تعقیب کیفری متهم تحمیل نماید. در حال حاضر، در تنها موردی که تعقیب متهم توسط دادستان موکول به اجازه مقامی دیگر شده، تعقیب کیفری دارندگان پایه قضایی است (راسخ، ۱۳۹۷: ۶۸). در قوانین فعلی هیچ ترتیب و تشریفات خاصی برای تحصیل اجازه از مقامات دیگر پیش‌بینی نشده است و آنان را می‌توان مانند سایر شهروندان تحت تعقیب قرار داد (جوانمرد، ۱۳۹۸: ۱۲۹).

۳-۱-۳- موانع تعقیب برخی از جرایم

گاه باوجود تحقق جرم و اجتماع شرایط لازم برای تعقیب کیفری متهم عواملی وجود دارند که مانع به جریان افتادن تعقیب کیفری و یا درصورت به جریان افتادن قبلی آن، مانع ادامه تعقیب کیفری می‌شوند. در این گفتار به بررسی موانع طرح یا تعقیب دعوای عمومی می‌پردازیم، موانعی که برخی از آن‌ها دائمی هستند و برخی دیگر جنبه موقتی داشته، پس از مدتی امکان از سرگیری اقدامات صورت‌گرفته قبلی وجود دارد، این موانع، اعم از دائمی و موقت، عبارت‌اند از: مصونیت‌ها، اناطه و جنون متهم پس از ارتکاب جرم و قبل از صدور حکم قطعی.

۳-۲- نهاد دادستانی و مدیریت تعقیب کیفری در پرتو اصل مقتضی‌بودن تعقیب

جایگاه این اصل در ایران، از نظر قانونی یک جایگاه ثانوی و فرعی است و در رویه قضایی این جایگاه حتی پایین‌تر است، زیرا تمامی مقامات تعقیب و دادگاه‌ها به‌طور کامل به آن توجه ندارند، حتی سابقه طولانی برخی از این نهادها مثل تعلیق تعقیب هم کمکی به این موضوع نکرده است (باباخانی و عبداللهی، ۱۴۰۰: ۱۸۲-۱۵۵).

۳-۲-۱- تغییر پارادایم الزامی‌بودن تعقیب تحت تأثیر تحولات جهانی

«ازجمله مصادیق ظهور این پارادایم» می‌توان به «میانجی‌گری کیفری»، «تعویق تعقیب»، «بایگانی کردن پرونده» و «تعلیق تعقیب» اشاره نمود (جوآن جعفری بجنوردی و نورپور، ۱۳۹۴:

اندازد تا با جمع‌آوری دلایل و آثار جرم و جلوگیری از فرار متهم، چنانچه اصل تحقق جرم و توجه آن به متهم محرز باشد.

۳-۱-۲- شروط خاص تعقیب برخی جرایم

تعقیب برخی جرایم توسط دادستان مستلزم طرح شکایت قبلی توسط شاکی خصوصی است و تعقیب برخی دیگر از جرایم مستلزم تحصیل اجازه از برخی مقامات است، به‌گونه‌ای که می‌توان گفت بدون این دو، دادستان نمی‌تواند رأساً اقدام به تعقیب کیفری متهم نماید و لزومی برای تعقیب وجود ندارد.

۳-۱-۲-۱- لزوم شکایت شاکی خصوصی

ذی‌نفع اصلی در تعقیب این جرم را شخص یا اشخاصی می‌داند که از ارتکاب آن متضرر شده‌اند (بهاداران و اقاسی، ۱۳۹۹: ۹۳-۱۰۲). از این رو قانون‌گذار نیز دخالت دادستان و تعقیب این جرایم به نمایندگی از طرف جامعه را منوط به درخواست ذی‌نفع (زیان‌دیده از جرم) و تسلیم شکایت از جانب او نموده است «تا چنانچه وی به دلایلی، مثلاً ارتباط جرم با مصالح شخصی یا خانوادگی، طرح موضوع در دادگستری و تعقیب کیفری را صلاح نداند، متهم تحت تعقیب قرار نگیرد و هر وقت هم که از گذشت نموده و از ادامه تعقیب انصراف دهد، تعقیب کیفری خاتمه یابد.» از این رو به این دسته از جرایم، جرایم قابل گذشت گفته می‌شود. ماده ۱۲ قانون آیین دادرسی کیفری در مورد این جرایم مقرر داشته است: «تعقیب متهم در جرایم قابل گذشت، فقط با شکایت شاکی شروع و درصورت گذشت او موقوف می‌شود.»

۳-۲-۱-۲- لزوم تحصیل اجازه از برخی مقامات

موقعیت حرفه‌ای و اجتماعی برخی اشخاص به‌گونه‌ای است که ایجاب می‌کند از امنیت شغلی لازم برای انجام وظایف خود برخوردار بوده و ناگزیر نباشند که برای پاسخگویی به هر اتهامی که ممکن است بی‌پایه و اساس نیز باشد، به دادگستری مراجعه کرده و از انجام وظایف خود بازمانند. یکی از راه‌های تأمین امنیت شغلی برای این افراد، موکول‌نمودن تعقیب کیفری آن‌ها به اجازه برخی مقامات برای بررسی مقدماتی دلایل اتهام آن‌هاست، بدین ترتیب دادستان در این

اطلاعات بین‌المللی وزارت امور خارجه ایالات متحده، چاپ اول، تهران: نشر وزارت امور خارجه ایالات متحده.

- آخوندی، محمود (۱۳۸۶). *آیین دادرسی کیفری*. چاپ نهم، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

- آشوری، محمد (۱۳۹۸). *آیین دادرسی کیفری*. جلد اول، چاپ سیزدهم، تهران: انتشارات سمت.

- باباخانی، عرفان و عبداللهی، افشین (۱۴۰۰). «امکان اعمال جایگزین‌های تعقیب کیفری نسبت به اشخاص حقیقی و حقوقی در حقوق ایران و فرانسه». *نشریه پژوهشنامه حقوق اسلامی*، ۲۲(۱): ۱۵۵-۱۸۲.

- بلماز، جنیل و اوریک، وین (۱۳۹۶). *اصول اساسی حقوق رسانه‌ها (در نظام حقوقی ایالات متحده آمریکا)*. ترجمه دکتر هدی غفاری و فرزاد باباخانی، چاپ اول، تهران: انتشارات مجد.

- بهادران، سارا و اقاسی، علیرضا (۱۳۹۹). «قرار ترک تعقیب، تحقق عدالت ترمیمی یا اهرمی در دست شاکی خصوصی». *فصلنامه مطالعات حقوقی*، ۵(۱۳): ۹۳-۱۰۲.

- بیکی خورتابی، محمد (۱۳۹۲). *دادستان و امنیت اجتماعی*. چاپ اول، تهران: انتشارات میزان.

- پرادل، ژان و دیگران (۱۳۹۳). *حقوق کیفری شورای اروپا*. ترجمه محمد آشوری، چاپ اول، تهران: انتشارات خرسندی.

- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۹۴). *ترمیم‌ولوژی حقوق*. چاپ بیست و هفتم، تهران: نشر گنج دانش.

- جمشیدی، علیرضا و نوریان، علیرضا (۱۳۹۲). «متناسب‌بودن تعقیب کیفری (مفهوم مبانی و جلوه‌ها در حقوق ایران و انگلستان)». *نشریه پژوهش حقوق کیفری*، ۲(۳): ۱۴۳-۱۶۱.

- جوان‌جعفری بجنوردی، عبدالرضا و نورپور، محسن (۱۳۹۴). «تعقیب‌زدایی - بازتابی نوین از الگرای نوین». *نشریه پژوهش‌نامه حقوق کیفری*، ۶(۲): ۷۵-۹۸.

کشور، وظیفه تعقیب کیفری برعهده نهاد دادستانی قرار دارد و مقام تعقیب در هر دو کشور، دادستان است، لیکن از حیث شیوه عملکرد و حدود اختیارات در امر تعقیب کیفری تفاوت‌های مهمی بین دو نظام حقوقی مشاهده می‌شود، درحالی‌که در ایران، دادستان مکلف به تعقیب کیفری است و فقط در موارد استثنایی اختیار مدیریت تعقیب کیفری را دارد؛ در آمریکا به‌دلیل حاکمیت اصل مقتضی‌بودن تعقیب، دادستان مدیر واقعی تعقیب عمومی است که براساس صلاحدید خود، یا تعقیب را انجام می‌دهد و یا با به‌کارگیری نهاد معاله اتهام از آن چشم‌پوشی می‌کند. از این جهت می‌توان گفت که نهاد دادستانی در سیاست جنایی آمریکا، نقش مهم‌تری در اجرای تدابیر سیاست جنایی در موضوع تعقیب دارد، درحالی‌که از نهاد دادستانی در آمریکا، مدیریت تعقیب کیفری در سطح کلان مورد انتظار است و نهاد دادستانی از این جهت همیشه تحت نظارت افکار عمومی قرار دارد، در ایران چنین خواسته‌ای از نهاد دادستانی مشاهده نمی‌شود. می‌توان با اعطای اختیارات بیشتری به نهاد دادستانی در مدیریت تعقیب کیفری، بازخورد شیوه اعمال این مدیریت را از نهاد دادستانی در ایران مطالبه کرد.

ملاحظات اخلاقی: در این پژوهش تمامی ملاحظات اخلاقی رعایت گردیده است.

تعارض منافع: نگارش این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

سهم نویسندگان: به‌صورت برابر بوده است.

تشکر و قدردانی: لازم است از تمام کسانی که در تدوین این مقاله ما را یاری رسانده‌اند، قدردانی نماییم.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین مالی انجام گرفته است.

منابع و مأخذ

الف. منابع فارسی و عربی

- ای کارپ، رابرت و استیدهام، رونالد (۲۰۰۴). *خطوط اساسی نظام قضایی ایالات متحده*. ترجمه اداره برنامه‌های

ب. منابع انگلیسی

- Alschuler, A (1968). "The Prosecutors Role in Plea Bargaining". *U.Chi.L.Rew*, 5(36): 50-112.

- Celifford D (1983). "Meaningful Reform of Plea Bargaining: the Control of Prosecutorial Discretion". *Journal of University of Illinois Law Review*,3(7):45-95.

- Clack, G (2004). *Outline of U. S. Legal System(Bureau of International Information Programs United States Department of State)*. United: Congressional Quarterly.

- Fallon, R. H (2004). *The Dynamic Constitution(An Introduction to American Constitutional Law)*. Cambridge: Cambridge University Press.

- François, F (2007). *Procédure pénale*. 8th ed., Orléans: Press Paradigme.

- Gaston, S (2008). *Georges Levasseur et Bernard Bouloc (Procédure pénale)*. Paris: Press Dalloz.

- Krug, P (2012). "Prosecutorial Discretion and Its Limits". *The American Journal of Comparative Law*,50(47): 45-95.

- Petrie, C & Heymann, P (2001). *What's Changing in Prosecution? (Report of a Workshop National Research Council Division of Behavioral and Social Sciences and Education Committee on Law and Justice)*. Beja:National Academies Press.

- Pradeep, K (2010). "Plea Bargaining- New Horizon in Criminal Jurisprudence". *Journal of Harvard Law Review*,15(37):107-137.

- Waluchow, W.J (2007). *A Common Law Theory of Judicial Review*. Cambridge: Cambridge University Press.

- جوانمرد، بهروز (۱۳۹۸). *آیین دادرسی کیفری*. چاپ هشتم، تهران: انتشارات جنگل / جاودانه.

- حیدری، الهام (۱۳۹۵). «معامله اتهام در حقوق کامن لا و نهادهای نزدیک به آن در دادرسی کیفری ایران». *فصلنامه مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی*، ۳(۱): ۴۱-۶۲.

- خالقی، علی (۱۳۹۸). *آیین دادرسی کیفری (مطابق با آخرین قوانین- آیین‌نامه‌ها و آراء وحدت رویه تا ۱۵/۵/۹۵)*. چاپ سوم، تهران: نشر مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.

- خالقی، علی (۱۳۹۸). *آیین دادرسی کیفری*. جلد اول، چاپ سی و هشتم، تهران: نشر مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.

- راسخ، محمد (۱۳۹۷). *مطالعه تطبیقی نظارت بر رفتار و عملکرد قضات*. چاپ اول، تهران: انتشارات مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه.

- رحمدل، منصور (۱۳۹۴). *آیین دادرسی کیفری*. چاپ دوم، تهران: انتشارات مجد.

- عمید، حسن (۱۳۹۱). *فرهنگ عمید (فرهنگ یک جلدی فارسی)*. چاپ اول، تهران: انتشارات میلاد.

- گلدوست جویباری، رجب (۱۴۰۱). *آیین دادرسی کیفری منطبق با ق.آ.د.ک جدید مصوب ۴/۱۲/۱۳۹۲ و اصلاحات مصوب مید.۳/۲۴/۱۳۹۴*. چاپ چهاردهم، تهران: انتشارات جنگل / جاودانه.

- متین دفتری، احمد (۱۳۹۸). *آیین دادرسی مدنی و بازرگانی*، چاپ دوم، تهران: انتشارات مجد.

- مصدق، محمد (۱۳۹۳). *آیین دادرسی کیفری*. چاپ دوم، تهران: انتشارات جنگل / جاودانه.

- نیازپور، امیرحسین (۱۳۹۰). *توافقی‌شدن آیین دادرسی کیفری*. چاپ دوم، تهران: انتشارات میزان.